

توسل و زیارت در منابع اهل سنت و نقد دیدگاه وهابیت

با تأکید بر زیارت امام رضا علیه السلام

حسین حبیبی تبار^۱

محمد محسن مروجی طبسی^۲

چکیده

بارگاه رضوی از سده سوم هجری قمری تاکنون، کانون توجه امت اسلامی اعم از شیعه و سنی بوده است، به ویژه علمای اهل سنت و پیروان آنان، پیوسته جهت عرض ارادت و طلب حاجت و شفای امراض به زیارت آن حضرت شتافته و به آن پیشوا توسل می‌جستند. این در حالی است که با بیان تفکرات و فتاوی‌ای ابن تیمیه و پیروانش چون محمد بن عبدالوهاب، زیارت قبور انبیا و صالحین و توسل به آنان حرام و شرک دانسته شده و زیارت کنندگان و متوسلین به آنان را قبریون و حجریون نامیدند و با جلوه دادن زیارت و توسل از اختصاصات شیعه، و ادعای فقدان چنین اعتقادی در میان اهل سنت و یا وجود چنین اعتقادی در عوام اهل سنت و نه علماء، سعی در ایجاد دوگانگی اعتقادی و رفتاری میان شیعه و سنی دارند. پژوهش حاضر در صدد تبیین فضیلت زیارت امام رضا در منابع اهل سنت و تبیین گزارش‌ها و نصوص تاریخی، بر سیره مستمره علمای اهل سنت و پیروان آنان و نیز نقد تفکرات و باورهای وهابیت در مسأله زیارت و توسل، بر اساس منابع معتبر و درجه اول اهل سنت است که نتیجه آن اتحاد بیش از پیش مسلمین خواهد شد.

واژگان کلیدی

امام رضا، اهل سنت، زیارت، توسل، تکفیر، وهابیت

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، گروه معارف اسلامی، ساوه، ایران.
۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

طرح مساله

یکی از مهم ترین عقاید فرقه وهابیت، حرمت زیارت و توسل به انبیا و صلحا است. در قاموس این فرقه، زیارت و توسل، شرک صریح است و مرتکبین آن مشرک و مهذور الدم. ابن تیمیه حرانی، بنیانگذار فکری وهابیت در این باره می‌نویسد:

«کسی که به زیارت قبر پیامبر یا فرد صالحی برود و از او طلب رفع حاجت کند، این کار سه مرحله دارد: یکی از مراحل آن این است که از صاحب قبر این گونه طلب و درخواست کند که مریضی خودش یا حیوانش را برطرف کند، قرضش را ادا کند، از دشمنش انتقام بگیرد، عافیت و سلامتی برای خودش، خانواده‌اش و یا حیوانش درخواست کند و کارهایی را که فقط خداوند متعال قادر بر آن است را طلب کند، این کار شرک صریح و آشکار است و مرتکب کننده آن باید توبه داده شود، که در غیر این صورت باید کشته شود، همچنین اگر شخصی به قبر پیامبر یا فرد صالحی متوسل شود و او را واسطه بین خود و خدا قرار دهد، این کارها، از افعال مشرکین و نصاراست». (ابن تیمیه، ۱۴۱۸هـ.ق، ص ۱۷)

محمد بن عبد الوهاب نجدی نیز با پیروی از افکار و عقاید ابن تیمیه، تمامی مسلمانانی که به ملائکه، انبیاء و اولیای الهی متوسل می‌شوند و از آنان درخواست شفاعت می‌کنند را مشرک و کافر دانسته و ریختن خون آنان و غارت کردن اموالشان را جایز شمرده است. (محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۱۸هـ.ق، ص ۴ و ۲۸)

امروزه نیز مفتیان وهابی با تکرار سخنان ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب تفکر تکفیری را به شدت دنبال می‌کنند. (احمد بن عبدالرزاق درویش، ۱۴۲۳ هـ.ق، ج ۲، ص ۳۷۲)

با ظهور این نگاه تکفیری، موجی از اختلاف و تفرقه میان مسلمین پدید آمد که اهل سنت، نخستین قربانیان تفکر تکفیری وهابیت بودند و در حال حاضر با ادعای انحصار عقیده به زیارت و توسل در شیعه، شیعه را هدف اصلی نگاه تکفیری خود قرار داده و سعی در ایجاد تفرقه میان شیعه و اهل سنت دارند. همین مساله اهمیت تبیین دیدگاه اهل سنت درباره زیارت و توسل (با تاکید بر امام رضا) را دو چندان می‌نماید و بهترین نقد بر تفکرات و باورهای تکفیری وهابیت خواهد بود.^۱

۱. در نقد وهابیت کتاب‌های زیادی از جانب اهل سنت و شیعه نوشته شده است. ر.ک: طبسی، نجم

فضیلت زیارت مرقد امام رضا

زیارت مرقد شریف امام رضا علیه السلام و انعکاس آن در روایات پیامبر اسلام و اهل بیت و تأکید و سفارش معصومین علیهم السلام در مورد زیارت امام رضا از طرق حدیثی اهل سنت، در کتب آنان، حاکی از اهمیت و جایگاه ویژه آن حضرت بوده و سنت بودن زیارت مرقد پاک وی را به وضوح نمودار می‌سازد که متأسفانه این روایات مغفول واقع شده است. در این قسمت، یازده روایت در فضیلت زیارت قبر امام رضا از زبان پیامبر اعظم، امام کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام که از طریق اهل سنت در منابع آنان وارد شده است بیان می‌شود:

پیامبر اعظم

۱. جوینی شافعی به سند خود از پیامبر اکرم روایت کرده است:
«سُتْدَفِنُ بَضْعَةً مِّنِّي بِخِرَاسَانَ، مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرِيْتَهُ، وَ لَا مُذْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ ذَنْبَهُ؛ از امام رضا علیه السلام روایت شده که پیامبر فرمود: پاره‌ای از تن من در خراسان مدفون خواهد گشت، هر گرفتاری، وی را زیارت کند خداوند گرفتاری‌اش را برطرف می‌کند و هر گنه کاری او را زیارت کند خدای متعال گناهانش را می‌آمرزد.» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰ هـ.ق، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۴۶۷؛ و قندوزی حنفی: ۱۴۲۲ هـ.ق، ج ۲، ص ۳۴۱).
۲. جوینی شافعی با سند خود، از پیامبر نقل می‌کند که فرمود: «سُتْدَفِنُ بَضْعَةً مِّنِّي بِخِرَاسَانَ، لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَيَّ النَّارَ؛ پاره‌ای از تن من در خراسان مدفون خواهد گشت هر مؤمنی به زیارت او برود خداوند بهشت را بر او واجب خواهد ساخت و بدن او را بر آتش جهنم حرام خواهد گرداند.» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰ هـ.ق، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۴۶۴).
۳. از عایشه روایت شده که رسول خدا فرمود: «مَنْ زَارَ وَ لَدَى بَطُوسٍ فَإِنَّمَا حَجَّ مَرَّةً، قَالَتْ: مَرَّةً!؟ فَقَالَ مَرَّتَيْنِ. قَالَتْ: مَرَّتَيْنِ!؟ فَقَالَ: ثَلَاثَ مَرَاتٍ. فَسَكَّتْ عَائِشَةُ، فَقَالَ: وَ لَوْ لَمْ

تسکتی لَبَلَّغْتُ إِلَى سَبْعِينَ؛ کسی که فرزندم را در طوس زیارت کند گویی یک حج به جا آورده است. عایشه پرسید: یک حج؟ پیامبر فرمود: دو حج. عایشه پرسید: دو حج؟ رسول خدا فرمود: سه حج. عایشه ساکت شد. پیامبر فرمود: اگر سکوت نمی کردی تا هفتاد حج برمی شمردم.» (قندوزی حنفی: ۱۴۲۲هـ.ق، ج ۲، ص ۳۴۱)

با عنایت به نکته‌ای که در این روایت وجود دارد شاید بتوان گفت: شخصیت امام رضا و منطقه طوس به قدری برای عایشه مشخص بوده که از پیامبر معنای «ولدی» و یا «طوس» را نپرسیده، بلکه تنها از ثواب و پاداش زیارت شگفت زده شده است.

امام کاظم

۴. جوینی شافعی به سند خود می‌گوید: موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: «من زار قبر ولدی علی کان له عندالله سبعین حجّة. [ثم] قال: [و] رَبِّ حَجَّةٌ لَا تُقْبَلُ. من زاره أو بات عنده ليلةً كان كمن زار أهل السماوات [و] إذا كان يوم القيامة، وجد معنا زواراً أئمتنا أهل البيت و أعلاهم درجةً و أقربهم حيوةً زوار ولدی علی؛ هر کس آرامگاه فرزندم را زیارت کند ثواب هفتاد حج را نزد خدا خواهد داشت. آن‌گاه فرمود: چه بسا حجی قبول نمی‌شود. هر کس او را زیارت کند یا شب در بارگاهش بماند گویی همه آسمانیان را زیارت کرده است و چون روز قیامت شود، زایران را با امامان ما اهل بیت خواهد یافت و زایران فرزندم علی درجه‌شان بالاتر و حیات (معنوی) شان نزدیک‌تر است.» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰هـ.ق، ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۴۷۱)

امام رضا

۵. جوینی شافعی با سلسله سند خود، از فضال روایت کرده که گفت: «سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرضا، عَلَيْهِ التَّحِيَّةُ وَ التَّنَاءُ، وَ جَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ! رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي الْمَنَامِ كَأَن يَقُولُ لِي: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا دُفِنَ فِي أَرْضِكُمْ بَضْعَتِي وَ اسْتَحْفَظْتُمْ وَ دِيْعَتِي وَ غُيِبَ فِي ثَرَاكِمِ لِحْمِي. فَقَالَ لَهُ الرضا: أَنَا الْمَدْفُونُ فِي أَرْضِكُمْ وَأَنَا بَضْعَةُ نَبِيِّكُمْ وَأَنَا الْوَدِيعَةُ وَاللَّحْمُ، مِنْ زَارِنِي، وَ هُوَ يَعْرِفُ مَا أُوجِبَ اللَّهُ مِنْ حَقِّي وَ طَاعَتِي، أَنَا وَ آبَائِي شَفَعَاؤُهُ يَوْمَ

القیامة و من کنا شفعاؤه نجا، ولو علیه مثل وزر الثقلین الجن و الإنس؛ از علی بن موسی الرضا شنیدم شخصی نزد وی آمد و به امام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! پیامبر را در خواب دیدم که به من می فرمود: چگونه خواهید بود اگر پاره تن من در سرزمین شما مدفون و گوشت بدنم در سرزمین شما پنهان شود و از امانت من چگونه محافظت می کنید؟ امام رضا در پاسخ فرمود: من آن شخصی هستم که در سرزمین شما دفن خواهد شد، من پاره تن رسول خدا و همان امانتی هستم که هر شخصی اگر با معرفت به حق من و اطاعت از من، مرا زیارت کند من و پدرانم شفیعان او در روز قیامت خواهیم بود و کسی که ما شفیعان او باشیم نجات خواهد یافت، هر چند گناهان وی به اندازه گناهان جن و انس باشد». (جوینی شافعی: ۱۴۰ هـ، ص ۱۹۱، ح ۴۶۸؛ خواند امیر شافعی: ۱۳۵۳ هـ، ج ۲، ص ۸۶ و خنجی اصفهانی حنفی: ۱۳۷۵ هـ، ص ۲۲۳).

امام رضا در تأیید جریان مذکور به نقل از پیامبر می فرماید:

«ولقد حدّثنی أبی، عن جدّی، عن أبیہ، عن آبائه أنّ رسول الله قال: من رآنی فی منامہ فقد رآنی، فإنّ الشیطان لا یتمثل فی صورتی و لا فی صورة أحدٍ من أوصیائی، إنّ رؤیاء الصادقة جزء من سبعین جزءاً من النبوة؛ امام رضا به نقل از پدران پاکش از پیامبر روایت کرده که می فرماید: هر کس مرا در خواب ببیند، (واقعاً) مرا به خواب دیده است، زیرا شیطان به صورت من و هیچ یک از جانشینانم ظاهر نمی گردد. رؤیای صادقه جزئی از هفتاد جزء پیامبری است». (جوینی شافعی: ۱۴۰ هـ، ج ۲، ص ۱۹۱، ح ۴۶۸).

بدین ترتیب این روایت به تمام رؤیاهایی که در این باب در مورد پیامبر یا جانشینان وی وارد شده، حجیت می بخشد.

۶. جوینی شافعی به سند خود می گوید: «از علی بن موسی الرضا شنیدم می فرمود:

إنّی مقتول مسموم مدفون بأرض غریبة، أعلم ذلك بعهدِ عهدِهِ إلی أبی عن أبیہ عن آبائه عن علی بن أبی طالب علیه السلام عن رسول الله ألا فمن زارنی فی غربتی کنت أنا و آبائی شفعاؤه یوم القیامة، و من کنا شفعاؤه نجا ولو علیه مثل وزر الثقلین؛ من کشته شده به سم و مدفون در سرزمین غریب هستم. این را به سفارشی که پدرم از پدرش از پدرانش از علی

بن ابی طالب از رسول‌الله با من کرده‌اند، می‌دانم. آگاه باشید هر کس مرا در غربتم زیارت کند من و پدرانم شفیعان او در روز قیامت خواهیم بود و هر کس ما شفیعان او باشیم نجات می‌یابد گرچه گناه جن و انس را داشته باشد.» (جوینی شافعی، ۱۴۰۰هـ.ق، ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۴۶۹)

جوینی شافعی، با شگفتی بسیار از این روایت، چنین یاد می‌کند: کرامۃ یالها من کرامۃ باهرۃ! وبشارة لشفاعۃ الذنوب ماحیة غافرة؛ وه وه! چه کرامتی! کرامتی نورانی و بشارتی برای محو و پوشاندگی زشتی گناهان. (جوینی شافعی، ۱۴۰۰هـ.ق، ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۴۶۹)

۷. جوینی شافعی به سند خود از امام رضا علیه السلام که فرمود: «من زارنی علی بُعد داری أتیته یوم القیامة فی ثلاثة مواطن حتی أخلصه من أهوالها: إذا تطایرت الکتب یمینا و شمالاً، وعند الصراط و عند المیزان؛ کسی که به زیارت من بیاید من نیز روز قیامت در سه جایگاه به فریاد او خواهم رسید: زمانی که نامه‌های اعمال را به دست راست و چپ می‌دهند و هنگام عبور از پل صراط و هنگامی که اعمال را در کفه ترازو قرار می‌دهند.» (جوینی شافعی، ۱۴۰۰هـ.ق، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۴۷۲).

۸. در روایت دیگر جوینی شافعی به سند خود از یاسرخادم امام رضا روایت کرده که علی بن موسی الرضا فرمود: «لا تشد الرحال إلى شیء من القبور إلا إلى قبورنا ألا وإنی مقتولٌ بالسم ظلما ومدفون فی موضع غریبة، فمن شد رحله إلى زیارتی استجیب دعاؤه وغفر ذنوبه؛ برای زیارت هیچ قبری بار سفر نندید مگر به زیارت قبرهای ما. آگاه باشید که من به سم ظالمانه کشته و در جایی غریب دفن می‌شوم پس هر کس بار سفر برای زیارتم ببندد دعایش اجابت و گناهانش بخشیده می‌شود.» (جوینی شافعی، ۱۴۰۰هـ.ق، ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۴۹۲).

۹. محمّد خواجه پارسای بخاری حنفی می‌گوید: هنگامی که مأمون عباسی، با تهدید، ولایت‌عهدی را بر امام رضا تحمیل کرد، امام خطاب به مأمون فرمود: «والله! لقد حدثنی أبی عن آباءه عن رسول الله: إني أخرج من الدنيا قبلک مظلوماً. تبکی علی ملائكة السماء والأرض، وأدفن فی الأرض الغریبة؛ به خدا قسم! پدرم برای من از پدرانش از رسول خدا روایت کردند: من پیش از تو، مظلومانه از دنیا می‌روم. فرشتگان آسمان و زمین بر من

می‌گیرند و در زمین غریب به خاک سپرده می‌شوم». (قندوزی حنفی: ۱۴۲۲هـ.ق، ج ۳، ص ۱۶۷)

امام جواد

۱۰. جوینی شافعی به سند خود از امام جواد چنین روایت می‌کند:

«من زار قبر ابي غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر، و إذا كان يوم القيامة ينصب له منبرا بحداء منبر رسول الله، حتى يفرغ الله من حساب عباده؛ هر کس قبر پدرم را زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد و چون روز قیامت شود برای او جایگاهی در مقابل جایگاه رسول خدا قرار می‌دهند تا وقتی که خداوند به حساب همه بندگانش رسیدگی کند.» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰هـ.ق، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۴۷۳)

امام هادی

۱۱. جوینی شافعی به سند خود از صفربن ذکف روایت نموده که گفت: از امام هادی شنیدم می‌فرمود: «من کانت له إلى الله حاجة فليزر قبر جدی الرضا بطوس، و هو علی غسل و یصل عند رأسه رکعتین و یسأل الله تعالی حاجته فی قنوته، فإنه یستجاب له ما لم یسأله فی مائمه أو قطیعة رحم و إن موضع قبره لبقعة من بقاع الجنة، لا یزورها مؤمن إلا أعتقه الله من النار و أدخله دار القرار؛ هر کس حاجتی دارد به زیارت قبر جدّم امام رضا با انجام دادن غسل برود و بالای سر حضرت دور رکعت نماز بخواند و حاجتش را در قنوت نماز از خدا بخواهد که حاجت او برآورده خواهد شد البته به شرطی حاجت او، گناهی یا قطع رحمی (خویشاوندی) نباشد. مکانی که امام رضا در آن دفن شده قطعه‌ای از بهشت است، هر مؤمنی آن حضرت را زیارت کند خداوند او را از آتش جهنم نجات می‌دهد و داخل بهشت می‌گرداند.» (جوینی شافعی، ۱۴۰۰هـ.ق، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۴۷۰)

زیارت اهل سنت

امام رضا علیه السلام در دوران حیات پربرکت خویش فضایل و کرامات بسیاری داشته که نقطه اوج آن ورود تاریخی آن حضرت در سال ۲۰۰ هجری قمری به نیشابور و تبرک جستن علما و مردم اهل سنت آن منطقه به خاک پای مرگب امام است. (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: مروجی طبسی: ۱۳۸۸هـ.ش، ص ۱۷۷-۱۸۹)

اما این کرامات و برکات به دوران حیات آن حضرت محدود نبوده است و پس از شهادت آن حضرت نیز به تصریح علمای اهل سنت، قبر شریف امام رضا از همان قرن سوم - چهارم هجری تاکنون محل زیارت و توسل علمای اهل سنت و سایر مردم و شفا گرفتن از آن بقعه شریفه بوده است و براساس گزارش‌های آنان، توسلات و زیارات مردم هر سال گسترده‌تر شده است و به نوعی سیره مسلمین به ویژه علمای اهل سنت بوده است.

گویی روایات رسیده از پیامبر اعظم و سایر اهل بیت رسول خدا علیهم السلام، که بر زیارت قبر امام رضا علیه السلام و مظلومیت و غربت آن حضرت تأکید داشته است، چنین سیل خروشان از علما و مردم اهل سنت را به سمت مرقد آن حضرت روانه کرده و سبب احترام ویژه آنان به پاره تن رسول خدا شده است به گونه ای که زیارت و توسل به امام رضا به عقیده و باور راستین و راسخ اهل سنت تبدیل شده است. این گزارشها حاکی از این است که زیارت قبور اهل بیت یک سنت مؤکد نبوی است و مهم ترین نقد بر تفکرات تکفیری و هابیت مبنی بر شرک دانستن زیارت و توسل است.

قرن چهارم

۱. ابن خُزیمه شافعی^۱ (۳۱۱ ه.ق.) و ابوعلی ثقفی شافعی^۲ (۳۲۸ ه.ق.):

حاکم نیشابوری شافعی می گوید: از محمد بن مومل شنیدم می گفت: روزی با

۱. ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه، متولد ۲۹۳ هجری قمری در نیشابور و متوفای ۳۱۱ هجری قمری در نیشابور است. وی از بزرگانی چون اسحاق بن راهویه و اسحاق بن شاهین... حدیث نقل کرده و بخاری و مسلم و ابن حبان بستی از وی روایت کرده‌اند. ابن خزیمه، فقیه و محدث و عالم بلامنزاع دوران خویش بود که از سراسر جهان برای علم آموزی نزد وی می آمدند. نزد اهل سنت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای در دانش و حدیث و فقه و اتقان، ضرب‌المثل است و روایات، فتاوا و نظرات رجالی وی مورد عنایت و توجه اهل سنت است و با تعبیری همچون «شیخ الإسلام، إمام الاثمه، حافظ، حجّه، فقیه، بی نظیر، زنده کننده سنت رسول خدا» از ابن خزیمه یاد کرده‌اند. (ذهبی سلفی ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۱۴، ص ۳۶۵-۳۷۷).

۵. محمد بن عبدالوهاب معروف به ابوعلی ثقفی، متولد ۲۴۴ هجری قمری در قهستان و متوفای ۳۲۸ هجری قمری در نیشابور است. وی فقیه، محدث، ادیب، رجالی اهل سنت در قرن سوم و چهارم هجری است. در مورد ابوعلی ثقفی شافعی، تعبیری چون «امام، محدث، فقیه، علامه، شیخ خراسان، مدرس فقه شافعی در خراسان، امام در اکثر علوم شرعی، حجّت خدا بر خلق در دوران خود» (ذهبی سلفی ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۱۴، ص ۲۸۰-۲۸۲) به کار برده شده است که حاکی از اهمیت این شخصیت نزد اهل سنت است..

پیشوای اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه و ابوعلی ثقفی و دیگر مشایخ خود به زیارت مرقد علی بن موسی الرضا به طوس رفتیم آن‌ها بسیار به زیارت قبر علی بن موسی الرضا می‌رفتند. محمد بن مؤمل می‌گوید: احترام و بزرگ‌داشت و تواضع و گریه و زاری ابن خزیمه در کنار مرقد مطهر علی بن موسی، همگی ما را شگفت زده کرد. (جوینی شافعی: ۱۴۰۰هـ، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۴۷۷؛ و ابن حجر عسقلانی: ۱۴۰۴هـ، ج ۷، ص ۳۳۹)

نکته جالب و شگفت‌انگیز ادامه سخن راوی است که متأسفانه برخی آن را گزارش نکرده‌اند. راوی می‌گوید: «این همه تواضع و احترامات ویژه ابن خزیمه به قبر امام رضا در حضور بزرگان خاندان سلطان و خاندان شاذان و خاندان شنشین و گروهی از علویان نیشابور و هرات و طوس و سرخس انجام گرفت و همه آن‌ها شمایل و حرکات ابن خزیمه را به هنگام زیارت قبر امام رضا مشاهده و ثبت و ضبط کردند و از برخورد وی با امام و قبر شریف آن حضرت، بسیار خوشحال شدند و به خاطر چنین برخوردی که از امام العلماء سر زده بود، از خوشحالی صدقه دادند و همگی اظهار داشتند: اگر این کار (زیارت قبور و گریه و زاری کنار قبور و تواضع و احترام به صاحب قبر) سنت نبود و فضیلت نداشت، هیچ‌گاه ابن خزیمه چنین نمی‌کرد.»

(جوینی شافعی: ۱۴۰۰هـ، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۴۷۷)

۲. محمد بن قاسم شافعی^۱ (۳۴۶هـ ق):

حاکم نیشابوری به نقل از محمد بن قاسم نیشابوری می‌نویسد:

«من [محمد بن قاسم] از کسانی بودم که زیارت قبر امام رضا را قبول نداشتم و مردم را از زیارت قبر امام رضا باز می‌داشتم. شبی در خواب دیدم که در مشهد حضور دارم و پیامبر در کنار قبر امام رضا مشغول نماز است ناگهان صدایی شنیدم که می‌گفت:

من سرّه آن یری قبراً برؤیته یفرج الله عمّن زاره کربه

۱. محمد بن قاسم نیشابوری عتکی، متوفای ۳۴۶هـ در نیشابور. وی شیخ الحدیث، محدث و فقیه بزرگ شافعی در قرن ۴ هجری قمری در نیشابور بوده است و بزرگان زیادی از جمله حاکم نیشابوری از وی حدیث نقل کرده‌اند. ذهبی سلفی درباره وی می‌گوید: «الامام المحدث... کان شیخاً متیقظاً فهما صدوقاً جیداً القرائة صحیح الاصول...» (ذهبی سلفی: ۱۴۱۷هـ، ج ۱۵، ص ۵۲۹)

فلیأت ذا القبر إن الله أسکنه سلاله من رسول الله منتجبه

هر کس دوست دارد قبری را ببیند که اگر آن را زیارت کند خداوند ناراحتی او را از بین می‌برد، به زیارت این قبر (قبر امام رضا) بیاید که خداوند در این قبر سلاله و ذریه‌ای از پیامبر را قرار داده است...

محمد بن قاسم می‌گوید: وقتی از خواب بیدار شدم غرق در عرق بودم، بی‌درنگ غلامم را صدا زدم تا مرکبم را آماده کند، سوار مرکب شدم و رهسپار زیارت قبر امام رضا شدم و از آن پس سالی دو بار به زیارت قبر امام رضا مشرف می‌شوم. (جوینی شافعی: ۱۴۰۰هـ.ق، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۴۷۵)

۳. ابن حبان بُستی شافعی^۱ (۳۵۴ ه.ق.):

وی با احترام و تجلیل از خاندان پیامبر اکرم و تجلیل از مقام علمی و معنوی امام رضا، خود را یکی از زائرین قبر آن حضرت معرفی کرده و می‌گوید: «علی بن موسی الرضا از بزرگان اهل بیت و عقلا و نجبگان و بزرگواران و بنی‌هاشم به شمار می‌رود. اگر از وی روایتی نقل شود واجب است حدیثش معتبر شناخته شود... من بارها مرقد وی را زیارت کرده‌ام. زمانی که در طوس بودم هر مشکلی برایم رخ می‌داد قبر علی بن موسی الرضا را، درود خدا بر جدش و او باد، زیارت و برای برطرف شدن مشکلم دعا می‌کردم و دعایم مستجاب و مشکلم حل می‌شد. این کار را بارها تجربه کردم و پاسخ می‌گرفتم. خداوند ما را بر دوستی و محبت رسول خدا و اهل بیتش بمیراند». (ابن حبان بُستی شافعی: ۱۳۹۳ ه.ق، ج ۸، ص ۴۵۷)

۷. ابوحاتم محمد بن حبان، معروف به ابن حبان شافعی، متولد بُست افغانستان در سال ۲۷۰هـ.ق و متوفای ۳۵۴هـ.ق در بُست. وی فقیه شافعی، محدث، رجالی، ادیب، جغرافی دان، مورخ، پزشک، ریاضی دان و منجم است. از آثار مهم وی می‌توان به «التقات»، «المجروحین»، «المعجم علی المدن»، «الهدایة الی علم السنن»، «مناقب الشافعی» و «مشاهیر علماء الامصار» اشاره کرد. نزد اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که از وی به «امام، علامه، حافظ، شیخ خراسان، یکی از استوانه‌های علم در فقه و لغت و حدیث، و از عقلای رجال» تعبیر کرده‌اند (سمعانی شافعی: ۱۴۰۸هـ.ق، ج ۲، ص ۲۰۹؛ ذهبی سلفی: ۱۴۱۷هـ.ق، ج ۱۶، ص ۹۲؛ صفدی شافعی: ۱۳۸۱هـ.ق، ج ۲، ص ۳۱۷؛ سُبکی شافعی: بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۱ و ابن تغری حنفی: ۱۴۱۳هـ.ق، ج ۳، ص ۳۴۲).

۴. بشاری مقدسی ۱ (۳۸۰ ه.ق.):

وی درباره مرقد مطهر امام رضا و گنبد و بارگاه آن حضرت چنین گزارش می‌کند:
«در طوس قبر علی بن موسی است که گرداگرد آن دیواری ساخته‌اند که خانه‌ها و بازاری دارد و عمیدالدوله فائق مسجدی در آن ساخته است که در خراسان بهتر از آن نیست.» (مقدسی بشاری: ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۲۶۱).

با توجه به زندگی بشاری در قرن چهارم، گزارش وی حاکی از این است که در قرن سوم نیز چنین بناهایی بر قبر شریف آن حضرت ساخته شده بود و این کار نه تنها بدعت نبوده، بلکه حاکمان و خلفای بنی‌عبّاس آن را ترمیم کرده و توسعه می‌داده‌اند به گونه‌ای که عمیدالدوله، یکی از وزرای بنی‌عبّاس، مسجد بزرگی بر قبر شریف امام رضا بنا کرده بود.
۵. حسین بن احمد مهلبی^۲ (۳۸۰ ه.ق.):

وی نیز گزارشی شبیه گزارش بشاری مقدسی از مرقد شریف امام رضا ارائه می‌دهد.
مهلبی در مورد نوقان یکی از شهرهای خراسان و هم‌چنین در وصف شخصیت امام رضا می‌گوید: «نوقان از بزرگ‌ترین و آبادترین شهرهای خراسان است که در پشت این شهر مرقد امام علی بن موسی بن جعفر قرار دارد... که بر روی قبر ایشان حصار است در آن حصار مردم معتکف می‌شوند.» (مهلبی: ۲۰۰۶ م، ص ۱۵۵)

۱. ابو عبدالله محمد بن احمد بشاری مقدسی، متولد ۳۳۶ ه.ق در بیت المقدس و متوفای حدود ۳۸۰ ه.ق. وی جهان گرد بوده و از مورخین و جغرافی دانان بنام اهل سنت است و آثار تاریخی و جغرافی وی از جمله «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم» اعتبار ویژه‌ای نزد اهل سنت دارد. (زرکلی، ۱۹۹۰ م، ج ۵ ص ۳۱۲؛ عمر رضا کحاله، بی تا، ج ۸ ص ۲۳۸)

۲. حسین بن احمد مهلبی، جغرافی دان و از مورخین اهل سنت در قرن چهارم هجری است و کتاب «المسالك والممالك» معروف به کتاب العزیزی مهم ترین اثر بجای مانده از اوست (حاجی خلیفه حنفی، ۱۴۰۲ ه.ق، ج ۲ ص ۱۶۶۵؛ عمر رضا کحاله، بی تا، ج ۳ ص ۳۱۳)

۶. محمد بن علی بن سهل شافعی^۱ (۴۰۵ ه.ق.):

حاکم نیشابوری شافعی می‌گوید: «از ابوالحسن محمد بن علی بن سهل فقیه شنیدم که می‌گفت: هیچ امر مهم دینی و دنیایی برای من روی نداد که به بارگاه امام رضا برای آن حاجت رفتن و نزد قبرش خدا را خواندم جز آن که آن حاجت روا شد و خداوند مرا از آن غم رهانید... و این عادت من شده که به آن در تمام اموری که بدان‌ها دچار می‌شوم بروم چرا که آن نزد من آزموده شده است.» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰ ه.ق، ج ۲، ص ۲۲۰، ح ۴۹۶)

قرن پنجم

۷. حاکم نیشابوری شافعی^۲ (۴۰۵ ه.ق):

وی با اشاره به کرامات امام رضا به تجربه شخصی خود در این زمینه اشاره کرده

و می‌گوید:

۱. ابوالحسن محمد بن علی بن سهل نیشابوری ماسرجسی، متولد حدود ۳۰۸ ه.ق در متوفای ۳۸۴ ه.ق در نیشابور. وی از فقها و محدثین بنام شافعی در نیشابور در قرن ۴ و ۵ هجری قمری است به گونه‌ای که ذهبی سلفی درباره شخصیت وی چنین می‌گوید: «العلامة، شیخ الشافعية... وهو من أصحاب الوجوه». هم‌چنین ذهبی به نقل از حاکم نیشابوری شافعی درباره محمد بن علی بن سهل چنین می‌گوید: «كان أعرف الأصحاب بالمذهب وترتيبه؛ داناترین اصحاب به مذهب و ترتیب آن است.» (ذهبی سلفی: ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۱۶، ص ۴۴۶ - ۴۴۷).

۲. ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن بیع نیشابوری، متولد ۳۲۱ ه.ق و متوفای ۴۰۵ ه.ق در نیشابور. از مورخین، محدثین، فقها و رجال بنام شافعی مذهب در قرن ۴ و ۵ هجری قمری است که از بیش از ۲۰۰۰ شیخ الحدیث، روایت نقل کرده و بیش از ۵۰۰ کتاب نوشته است از جمله «المستدرک علی الصحیحین، تاریخ نیشابور، فضائل الامام الشافعی». وی جایگاه والا و ویژه‌ای نزد اهل سنت دارد: ذهبی سلفی درباره وی می‌گوید: «الامام، الحافظ، الناقد، العلامة، شیخ المحدثین... كان من بحور العلم» (ذهبی سلفی: ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۱۷، ص ۱۶۳ و ۱۶۵). سبکی شافعی نیز چنین می‌گوید: «كان اماماً جليلاً و حافظاً حفيلاً، أتفق على امامته و جلالته و عظيم قدره.» (سبکی شافعی: بی تا، ج ۴، ص ۱۵۶ شماره ۳۲۸). گفتنی است بیشتر روایات و گزارش‌ها درباره زیارت و توسل‌های علمای اهل سنت به امام رضا در قرن ۴ و ۵ هجری قمری توسط حاکم نیشابوری شافعی در کتاب گرانسنگ وی با عنوان «تاریخ نیشابور» نقل شده است که این کتاب تا قرن ۱۱ هجری قمری در دسترس بوده ولی متأسفانه در حال حاضر اثری از این کتاب نیست و موارد نقل شده از این کتاب با واسطه جوینی شافعی می‌باشد. (ر. ک: مروجی طبسی، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۶۰)

«خداوند مرا از کرامات تربیتش، بهترین کرامت را شناساند. از آن جمله است که من دچار بیماری خشکی مفاصل بودم و جز با مشقت نمی توانستم حرکت کنم. بنابراین بیرون آمدم و زیارتش کردم و بادوگوش کرباسی به نوقان بازگشتم صبح که در نوقان بودم تمام آن درد رفت و تندرست به نیشابور بازگشتم.» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰ ه ق، ج ۲، ص ۲۲۰، ح ۴۹۶)

حاکم نیشابوری شافعی افزون بر سخنان مذکور، تجربیات علما درباره زیارت قبر امام رضا و شفا گرفتن از آن حضرت و مشاهدات عینی خود در این زمینه که در قرن ۴ و ۵ هجری رخ داده است را گزارش کرده است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۸. ابوصالح مؤذن نیشابوری شافعی^۱ (۴۷۰ ه ق):

حاکم نیشابوری شافعی جریان توسل مؤذن نیشابوری به امام رضا و شفا یافتن وی را این گونه گزارش می‌کند: «به بیماری سختی مبتلا گشتم، در آن بیماری زبانم بند آمد و قادر بر سخن گفتن نبودم. به ذهنم خطور کرد به زیارت قبر امام رضا بروم و در کنار قبر شریف آن حضرت دعا کنم و او را واسطه قرار دهم و از خدا بخواهم مرا از این بیماری نجات دهد. به قصد زیارت قبر امام رضا از نیشابور خارج شدم و قبر آن حضرت را زیارت کردم و در سمت بالای سر آن حضرت مشغول خواندن نماز شدم و امام رضا را شفیع قرار دادم و از خدا خواستم به احترام و منزلت و مقام امام رضا مشکل زبانم را برطرف سازد. در سجده نماز خوابم برد در خواب دیدم ناگهان ماه شکافته شد و مردی از آن خارج شد و به نزدیک من آمد و صدا زد: ای ابونضر! بگو: «لا إله إلا الله»، من با دست اشاره کردم که قادر بر سخن گفتن نیستم و زبانم بند آمده‌است. آن مرد بر سرم فریاد زد و فرمود: مگر به قدرت خدا ایمان نداری؟ بگو: «لا إله إلا الله» من که تا آن هنگام لال بودم یک‌باره زبانم باز شد و گفتم: «لا إله إلا الله». من نیز به شکرانه این نعمت الهی، از مشهد پیاده بازگشتم و در طول مسیر همواره ذکر «لا إله إلا الله» را بر زبان داشتم و بعد از آن زبانم بند نیامد» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰ ه ق، ج ۲، ص ۲۱۷، ح ۴۹۱).

۱. ابو صالح احمد بن عبدالملک بن علی معروف به مؤذن نیشابوری، متولد ۳۸۸ ه ق و متوفای ۴۷۰ ه ق در نیشابور، از بزرگان و محدثین و مورخین دوران خویش بوده است. (زرکلی، ۱۹۹۰م، ج ۱ ص ۱۶۳)

ظاهرا وی به یمن وبرکت این جریان، مؤذن مسجد شده وبه مؤذن نیشابوری مشهور شد.

۹. زایری مصری به نام حمزه

حاکم نیشابوری شافعی می‌نویسد: «در مرو رود بودم که با مسافری مصری به نام حمزه ملاقات کردم و او گفت که از مصر به قصد زیارت بارگاه امام رضا به طوس آمده است و گفت: چون به این بارگاه داخل شدم نزدیک غروب آفتاب بود پس امام را زیارت کردم و نماز گزاردم و در آن روز زایری غیر از من نبود. چون نماز عشا را خواندم خادم قبر خواست که او را بیرون کند یا در را بر روی او ببندد از او خواست که در را بر رویش ببندد و او را در مسجد رها کند تا در آن نماز بگزارد، چون او از سرزمینی درآمده است، و او را از آنجا بیرون نکنند، زیرا او احتیاجی به بیرون رفتن ندارد. پس خادم رهایش کرد و در را بر روی او بست. او در آنجا به تنهایی نماز می‌گزارد تا این که خسته شد و سرش را بر زانوانش می‌گذارد تا اندکی بیاساید چون سرش را بلند می‌کند در دیوار روبه‌روی خویش پارچه‌ای می‌بندد که بر آن این دو بیت نوشته شده بود:

من سرّه آن یری قبراً برؤیته یفرّج اللّٰه عمّن زار[ه] کربه

فلیأت ذا القبر إن اللّٰه أسکنه سلاله من رسول اللّٰه منتجبه

کسی که خوشحال می‌شود که با زیارت قبری خداوند گرفتاری‌هایش را از او برطرف کند پس نزد صاحب این قبر بیاید که در آن فرزندی از فرزندان برگزیده رسول خدا در آن مدفون است.

گفت: برخاستم و تا وقت سحر شروع به نماز خواندن کردم سپس مانند بار اول نشستم و سرم را روی زانوانم گذاشتم پس چون سرم را برداشتم چیزی روی دیوار ندیدم. آن چیزی را که دیده بود نوشته‌ای مرکب خشک نشده بود گویی که همین الآن نوشته شده بود. گفت: سپس صبح دمید و در باز شد و از آنجا بیرون آمدم». (جوینی شافعی، ۱۴۰۰ ه. ق، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۴۷۴)

این گزارش به وضوح نشان می‌دهد اعتقاد به زیارت و توسل به امام رضا به منطقه خاصی محدود نبوده و آوازه مقام معنوی امام رضا به اهل سنت مصر نیز رسیده بوده به گونه

ای که فرد یاد شده با نیت زیارت قبر امام رضا از مصر به طوس آهنگ سفر کرده است.

۱۰. فخرالدین ادیب جندی شافعی:

حاکم نیشابوری شافعی با تجلیل از مقام علمی و معنوی فخرالدین ادیب جندی، می‌نویسد: «پیشوای فاضل، خوش خلق و سیما، فخرالدین هبه‌الله بن محمد بن محمود ادیب جندی، رحمت خدا بر او باد، در مشهد رضوی، آرمیده بر آن سلام باد، در زیارت اولش، که خدا آن را بپذیرد و در نامه‌های اعمال مقبول بنگارد، برای خودش چنین سروده است:

أَيَا مَنْ مُنَاهِ رَضَى رِبِّهِ تَهِيأُ وَإِنْ مِنْكَ الْحَسَنُ لَامِ
فَزُرْ مُشْهَدًا لِلْإِمَامِ الرِّضَا عَلِيَّ بْنِ مُوسَى، عَلَيْهِ السَّلَامِ

ای کسی که آرزوی رضای پروردگارش است آماده باش و (بدان) که منکر خوبی ملامت می‌شود.

بنابراین مشهد امام رضا، علی بن موسی را، که بر او سلام باد، زیارت کن» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰ ه ق، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۴۷۶).

۱۱. فردی ناشناس:

از مشاهدات دیگر حاکم نیشابوری شافعی این است که: «از مردی، که اسمش را از یاد بردم، بر سر قبر [امام] رضا شنیدم که می‌گفت: در شرافت قبر و شرافت و بزرگی کسی که در آن خفته است می‌اندیشیدم پس به قلبم انکار بعضی از امور مربوط به کسی که در آن جاست، خطور کرد بنابراین با قرآن تفأل زدم و این آیه آمد: «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلُوبِ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ» [یونس: ۱۰] از تو سؤال می‌کنند که آن حق است؟ بگو: بله، قسم به پروردگارم! که آن حق است. `` سه بار تفأل زدم هر سه بار این آیه آمد.» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰ ه ق، ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۴۹۳).

۱۲. زید فارسی:

حاکم نیشابوری شافعی جریان شفا یافتن زید فارسی به برکت امام رضا را چنین روایت می‌کند:

«من در مرو رود دو سال دچار نفرس بودم که نمی‌توانستم بایستم و نه ایستاده نماز

بخوانم. پس در خواب به من نمایانند که آیا به قبر [امام] رضا نمی‌روی و پاهایت را به ضریحش نمی‌کشی و بر سر قبر او از خدا نمی‌خواهی که بیماری‌ات از بین برود؟ گفت: پس چارپایی کرایه کردم و به طوس آمدم و پاهایم را به قبر مالیدم و از خداوند خواستم پس آن نفرس و درد از بین رفت و من دو سال در این جا هستم تا به حال دچار نفرس نشدم» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰ ه ق، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۴۹۴)

۱۳. حَمَوِيَه بن علی شافعی:

از دیگر مشاهدات حاکم نیشابوری جریان حمویه بن علی شافعی است. حاکم می‌نویسد:

«من با حمویه در بلخ بودم پس روزی سوار شد و من همراه او بودم که در این هنگام که ما در بازار بلخ بودیم حمویه مردی را دید دستور داد او را بگیرند و گفت: او را به منزل ببرید بعد به هنگام برگشتن به منزل دستور داد الاغی خوب و قبراق و سفره غذا و پنیر و دویست درهم آوردند. پس چون حاضر شد گفت: آن مرد را بیاورید. او را آوردند چون در مقابلش ایستاد گفت: تو سیلی‌ای به من زدی و امروز من آن را تلافی می‌کنم. یاد می‌آورم روزی را که با هم قبر رضا را زیارت کردیم تو از خدا خواستی و گفستی: خدایا! الاغی و دویست درهم و سفره‌ای با پنیر و نان به من مرحمت فرما و من گفتم: خدایا! حکومت خراسان را به من بده. پس تو سیلی‌ای به من زدی و گفستی: آن چه را نمی‌شود نپرس. الان خدا مرا به خواسته‌ام رساند و تو را به خواسته‌ات و سیلی، حق من است بر تو.» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰ ه ق، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۴۹۵)

۱۴. ابو حسین بن ابی بکر شافعی:

ابو حسین بن ابی بکر شافعی از فقهای نیشابور است که معتقد است هر حاجتی که داشتم با توسل به امام رضا برطرف شد از جمله صاحب فرزند شدن به برکت امام رضا. حاکم نیشابوری شافعی می‌گوید:

«از ابوالحسین بن ابوبکر فقیه شنیدم که می‌گفت: خداوند هر دعایی که در مرقد امام رضا کردم اجابت کرد، حتی از خدا خواستم فرزندی به من عنایت کند که بعد از ناامیدی فرزندی روزی کرد.» (جوینی شافعی: ۱۴۰۰ ه ق، ج ۲، ص ۲۲۰، ح ۴۹۸)

قرن هشتم

۱۵. ذهبی سلفی^۱ (۷۴۸ ه.ق.):

وی نیز با وجود برخورداری از افکار سلفی با اذعان به زیارت زائران این بقعه شریفه می گوید:

«و برای علی بن موسی بارگاهی در طوس است که مردمان به زیارت او می آیند.»
(ذهبی سلفی: ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۹، ص ۳۹۳)

«و برای او آرامگاهی بزرگ در طوس است که زیارت می شود.» (ذهبی سلفی: بی تا، ج ۱، ص ۲۶۶)

در مورد فرزندان امام کاظم زمانی که به امام رضا می رسد می گوید:

«و برای فرزندش، علی بن موسی، بارگاهی بزرگ در طوس است» (ذهبی سلفی: ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۶، ص ۲۷۴)

۱۶. صفدی شافعی^۲ (۷۶۴ ه.ق.):

وی نیز در گزارشی کوتاه اما گویا چنین می گوید: «[علی بن موسی] در طوس دفن شده و قبرش زیارتگاه است. (صفدی شافعی: ۱۳۸۱ ه.ق، ج ۲۲، ص ۲۴۹).

۱. ابو عبدالله شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز ترکمانی، متولد ۶۷۳ ه.ق در دمشق و متوفای ۷۴۸ ه.ق در دمشق. وی محدث، مورخ، رجالی و منتقد بنام اهل سنت است. کثیر السفر بوده و او را از حفاظ چهار گانه در قرن هفتم هجری قمری معرفی کرده اند. با اینکه او را بخاطر معاصر بودن با ابن تیمیه و تعصب شدید او در دفاع از ابن تیمیه، سلفی دانسته اند ولی نظرات تاریخی و رجالی وی مورد توجه اهل سنت به ویژه وهابیت امروزی است. آثار زیادی از ذهبی بجای مانده از جمله: «تاریخ الاسلام»، «سیر اعلام النبلاء»، «طبقات الحفاظ»، «مختصر تاریخ نیشابور حاکم»، «المغنی فی الضعفاء»، «میزان الاعتدال فی نقد الرجال» (سبکی شافعی: بی تا، ج ۹، ص ۱۰۰ شماره ۱۳۰۶)

۲. ابو الصفا صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی متولد ۶۹۶ ه.ق در منطقه صفد شهر حمص سوریه و متوفای ۷۶۴ ه.ق در دمشق. صفدی مورخ، محدث، ادیب و شاعر شافعی مذهب اهل سنت است که مقام و جایگاه خاصی نزد اهل سنت دارد. او شاگرد ذهبی است و از بزرگانی مانند قاضی بدر الدین بن جماعه، تقی الدین سبکی، و ابو الحجاج مزی حدیث نقل کرده است. وی کثیر السفر و کثیر التالیف بوده به گونه ای که آثار صفدی را برخی ۲۰۰ و برخی دیگر ۵۰۰ اثر ذکر کرده اند. «الوافی بالوفیات»، «اعوان النصر فی اعیان العصر» از آثار مهم صفدی است. (سبکی شافعی: بی تا، ج ۱۰، ص ۵ شماره ۱۳۵۲)

۱۷. ابن بطوطه مراکشی مالکی^۱ (۷۷۹ ه.ق.):

جهان گرد معروف ابن بطوطه، گزارش مفصلی از مشاهدات عینی خود، درباره گنبد و بارگاه و زیارت قبر امام رضا و توسل به آن حضرت توسط موافق و مخالف را ثبت کرده است. وی در گزارش خود می‌نویسد: به شهر «مشهد الرضا» مسافرت نمودیم و او [رضا] علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین شهید فرزند امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است، که رضوان خدا بر آنان باد. مشهد الرضا شهر بسیار بزرگی است و بر بارگاه مکرم حضرتش، گنبد بزرگی بنا شده و در کنار آن مدرسه و مسجدی است که بنای تمامی آن‌ها از زیبایی خاصی برخوردار است: دیوارها مزین به کاشی و بر روی قبر شریف، چهارچوبی از تخته و روکش آن از نقره بود و بر فراز ضریح ایشان، چراغ دان‌هایی از نقره آویزان و چهارچوب در گنبد، نقره و پرده در نیز از پارچه حریر زربفت بود و تمام محوطه زیارتگاه مفروش به فرش‌های متنوع و در کنار آن، قبر هارون الرشید بود، که زایرین هنگام ورود به زیارتگاه، [به خاطر بیزاری از جنایات هارون]، با پای خود محکم به قبر هارون زده و بر قبر شریف امام رضا سلام کرده و احترام می‌نهادند. (ابن بطوطه مراکشی: بی تا، ص ۴۰۱)

قرن نهم

۱۸. عطاء الله شیرازی شافعی^۲ (۸۰۳ ه.ق.):

وی با معرفی مشهد امام رضا به عنوان مرجع همه زائران از تمام طبقات و اقشار و

۱. ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد مراکشی معروف به ابن بطوطه، متولد ۷۰۳ ه.ق در طنجه مراکش و متوفای ۷۷۹ ه.ق در مراکش. وی فقیه مالکی مذهب واز معروف ترین مورخین و جهان گردهای اهل سنت در قرن هشتم هجری قمری است که به سبب سفرهای زیاد او به اقاصا نقاط جهان و ثبت مشاهدات خود، کتاب وی با نام «تحفة النظار فی غرائب الامصار وعجائب الاسفار» معروف به «رحلة ابن بطوطه» مورد توجه عام و خاص قرار گرفته است. (ابن حجر عسقلانی شافعی، بی تا، ج ۳ ص ۴۸۰ شماره ۱۲۸۵؛ ابن جُزّی، مقدمه رحلة ابن بطوطه، بی تا، ص ۲۳)

۲. جمال الدین عطاء الله بن فضل الله شیرازی دشتکی نیشابوری، متوفای ۸۰۳ ه.ق. اصالتا شیرازی است که ساکن نیشابور بود. شافعی مذهب بوده و از مورخین قرن هشتم و نهم قرن هجری قمری بوده است. اثر بجای مانده از وی کتاب «روضه الاحباب فی سیره النبی و الال و الاصحاب» است. (حاجی خلیفه حنفی، ۱۴۰۲ ه.ق، ج ۱ ص ۹۲۲ و ۹۲۳؛ عمر رضا کحاله، بی تا، ج ۶ ص ۹۲۳)

نقاط جهان، می‌نویسد: علی [بن موسی] الرضا با مردم به لغات خودشان سخن می‌گفت و آن حضرت در سخن گفتن شیواترین مردم و داناترین آن‌ها به همه زبان‌ها و لغات بود... مشهد و مرقد منور وی مرجع زایران از تمام طبقات و نقاط جهان است. (عطاءالله شیرازی شافعی: بی تا، ج ۴، ص ۴۳. ر.ک: امیر احمد حسین بهادرخان هندی حنفی: ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۳۶).

قرن دهم

۱۹. میر محمد بن سید برهان‌الدین خواوند شاه، معروف به میر خوند حنفی^۱ (۹۰۳ ه.ق.):

وی نیز در گزارشی شگفت‌انگیز زایران قبر امام رضا را افزون بر ایران، از روم و هند و سایر سرزمین‌ها می‌داند و می‌گوید: «ذکر احوال علی بن موسی الرضا رضی الله عنهما. مشهد مقدس و مرقد این امام علی الاطلاق مرجع ایران و مقصد سالکان اکابر و اصاغر آفاق است، طوایف امم و طبقات بنی آدم از اقصای روم و هند، از جمیع مرز و بوم هر ساله مهاجرت اوطان و مفارقت خلآن اختیار کرده و روی توجه به این آستان فرخنده نشان نهاده و مراسم زیارت و طواف به جای آورند و این موهبت عظمی را سرمایه سعادت دنیا و عقبی می‌دانند... مناقب و مآثر و فضایل و مفاخر امام ابوالحسن الرضا زیاده از آن است که محاط علم بشری گردد و در این مقام بر سطری چند از خوارق عادات آن قدوه ارباب سعادت اقتضار می‌رود، رضی الله عنه.» بعد به نقل مناقب و کرامات امام می‌پردازد و در پایان می‌گوید: «از امام رضا رضی الله عنه حکایت بسیار منقول است که نشانه عظمت و وسعت مناقب و کرامات آن حضرت می‌باشد.» (خواند امیر حنفی: ۱۳۳۹ ه.ش، ج ۳، ص ۴۱، ۴۶ و ۵۲).

۲۰. فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی شافعی^۲ (۹۲۷ ه.ق.):

۱. سید محمد بن خواوند شاه بلخی معروف به میر خوند، متولد ۸۳۷ ه.ق در بخارا و متوفای ۹۰۳ ه.ق در بلخ. وی از دانشمندان برجسته در علوم عقلی و نقلی به ویژه در تاریخ و ادبیات حنفی مذهب، در قرن نهم هجری قمری است. کتاب «تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبیاء والملوک والخلفاء» مهم ترین اثر بجای مانده میرخوند در حوزه تاریخ است. (حاجی خلیفه حنفی، ۱۴۰۲ ه.ق، ج ۱ ص ۹۲۶؛ عباس زریاب، ۱۳۷۳ ه.ش، ص ۱۵؛ جمشید کیان فر، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۲۷-۳۹).

۲. ابوالخیر فضل الله بن روزبهان بن فضل الله مشهور به خواجه ملا، متولد حدوداً ۸۵۲ ه.ق در خنج شیراز و متوفای ۹۲۷ ه.ق در بخارا. وی مورخ، متکلم، فقیه، مفسر، ادیب و شاعر شافعی مذهب در قرن نهم و دهم

وی نیز با عبارات والا و با احترام فراوان از مرقد مطهر امام رضا یاد می‌کند و آن را «کعبه حاجات و مقاصد جمیع حاجت خواهان» تا روز قیامت می‌داند و می‌گوید: «زیارت قبر مکرم و مرقد معظم حضرت امام ائمه الهدی، سلطان الإنس و الجن، امام علی بن موسی الرضا الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الشهید بن علی المرتضی، صلوات الله و سلامه علی سیدنا محمد و آله الکرام، سیما الآیة النظام ستة آبائه کلهم افضل من یشرب صوب الغمام، تریاق أكبر محبان و موجب حیات دل و جان است مرادات همه عالم از آن درگاه با برکت حاصل و فی الواقع ربیع میمونش توان گفت که از اشرف منازل است. آن مقام مبارک تمامی اوقات مقرون به تلاوت قرآن مجید است و توان گفت که معبدی است از معابد اسلام، هرگز آن مرقد عالی از طاعت نیازمندان خالی نیست و چگونه چنین نباشد و حال آن که تربت حضرت امامی است که اوست مظهر علوم نبوی و وارث صفات مصطفوی و امام بر حق و رهنمای مطلق و صاحب زمان امامت خود و وارث نبوت و حق استقامت خود.

هزار دفتر اگر در مناقبش گویند هنوز ره به کمال علی نشاید برد

و سابقاً که عزم زیارت مشهد مقدس حضرت امام بود، این قصیده صورت نظم یافته بود و در این مقام ادراج او مناسب است، زیرا که ملایم زیارت آن صاحب مناقب است. وی در ادامه قصیده‌ای با عنوان «قصیده‌ای در منقبت امام ثامن، ولی ضامن، امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا، صلوات الله علیه و سلامه» در مدح آن حضرت نقل می‌کند....» (خنجی اصفهانی شافعی: بی تا، ص ۳۳۶).

جای دیگر می‌گوید: «اللهم و صلِّ و سلِّم علی الإمام الثامن، السید الحسنان، السند

هجری قمری است. سفرهایی به قاهره، بیت المقدس، مدینه، اصفهان و منطقه ماوراء النهر داشته و از بزرگان آن مناطق کسب علم نموده است. خنجی شافعی گرایشهای صوفیانه و البته ضد شیعی نیز داشته است. از آثار وی می‌توان به کتاب «وسيلة الخادم الی المخدوم»، «مهمان نامه بخارا»، «ابطال نهج الباطل فی رد نهج الحق علامه حلی»، «سلوک الملوک»، «تلخیص و تحقیق کتاب کشف الغمة اربلی»، «حواشی و تعلیقات بر تفسیر کشف زمخشری»، «مقاصد در علم کلام» اشاره کرد. (سخاوی شافعی، بی تا، ج ۶ ص ۱۷۱ شماره ۵۸۰)

البرهان، حجتُ الله على الإنس والجان الذى هو لجنده الأولياء سلطان، صاحب المروة و الجود و الإحسان، المتلألئ فيه أنوار النبى عند عين العيان، رافع معالم التوحيد و ناصب أولوية الإيمان، الراقى على درجات العلم و العرفان، صاحب منقبة قوله صلى الله عليه وآله سَتُدْفَنُ بَصْعَةً مِّنِّي بِأَرْضِ خِرَاسَانَ، المستخرج بالجرِّف و الجامع ما يكون و ما كان المقول فى شَرَفِ آبَائِهِ سِتَّةَ آبَائِهِ كُلِّهِمْ أَفْضَلُ مِنْ شَرَبِ صُوبِ الْغَمَامِ، المقتدى برسول الله فى كل حال و فى كل شأن أبى الحسن على بن موسى الرضا، الإمام القائم الثامن الشهيد بالسمِّ فى الغم و البؤس المدفون بمشهد طوس؛ خدایا! درود و صلوات و سلام فرست بر امام هشتم، آن حضرت مهتر نیکو خصال نیکو کار نیکو سیرت. آن حضرت کسی است که لشکر اولیا را سلطان و پادشاه است. صاحب جود و مروّت و نیکو کاری است. در او انوار حضرت پیغمبر نزد چشم عیان درخشنده است. بالا برنده نشانه‌های توحید و نصب کننده پرچم‌های ایمان است. بر رونده است، بر بالاترین درجات علم و عرفان. صاحب منقبت فرموده حضرت یامبر است که فرمود: پاره‌ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد. آن حضرت بیرون آورنده‌است به جفر و جامعه، آن چه بوده و آن چه خواهد بود آن کس که در شرف پدرانش، شش پدر بزرگوارش، گفته شده که برترین کسانی که از آب آسمان نوشیده‌اند. آن حضرت اقتدا کننده است به رسول خدا در هر حالی و در هر کاری و شأنی که آن حضرت را پیش آمده. ایشان ابوالحسن علی بن موسی الرضا امام قائم ثامن است. آن حضرت شهادت یافته به زهر در غم و خون و ملال و مدفون است در طوس. اللهم ارزُقنا بِطُفْكِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَمِكَ وَ اِمْتِنَانِكَ، زیارة قبره المقدّس و مرقدہ المونس و اغفر لنا ذنوبنا و اقصِ جميع حاجاتنا ببرکتہ، اللهم صلِّ علی سیدنا محمد و آل سیدنا محمد سیما الإمام المجتبی أبی الحسن علی بن موسی الرضا و سلّم تسلیما؛ خدایا! به لطف و فضل و کرم و منت خویش زیارت قبر مقدس و بارگاه با صفایش را روزی مان کن و گناهانمان را ببخش و تمام حاجات ما را به برکت او برآور. خدایا! بر سرور ما، محمد و خاندان سرور ما، محمد به خصوص امام برگزیده ابوالحسن علی بن موسی الرضا درود و سلام بفرست.»

وی در مورد بارگاه نورانی امام رضا سخنان شگفتی می گوید که به بعضی از آنها اشاره می‌شود: «... و آن حضرت را در آن روضه مقدّسه و مرقد منور و مشهد معطر دفن کردند و آن روضه بهشت، کعبه حاجات و مقاصد جمیع حاجت خواهان شد تا روز

قیامت، صلوات الله و سلامه علیه و تحياته و رضوانه على تلك الروضة المقدسة و رزقنا زيارتها و عمّر بالأنوار الإلهية والنفوس القدسية عمارتها. رجای کمترین بندگان، فضل الله بن روزبهان الامین، واثق است به الطاف الهی که این فقیر حقیر را امثال زیارت مرقد مطهر و مشهد منور آن حضرت به خیر و عافیت روزی گردد و قرائت این کتاب وسیله الخادم إلى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیهم السلام در آستانه آن مرقد مطهر جهت دوستان و محبان و موالیان اهل البیت نموده شود، چه ولا و تولای آن حضرت، شیمه دیرینه این فقیر و محبت و استمداد از آن حضرت نقد خزینه سینه این حقیر است. در هر واقعه که این فقیر را پیش آید استمداد از باطن اقدس آن حضرت را طریق نجات می‌دانم و در هر هایله و داهیه روح مقدس آن حضرت را، خنجی شافعی سخنان خود را با شعری در وصف امام رضا خاتمه می‌دهد:

سلام علی روضة للإمام	علی بن موسی علیه السلام
سلام من العاشق المنتظر	سلام من الواله المستهام
بر آن پیشوای کریم الشیم	بر آن مقتدای رفیع المقام
ز شهد شهادت حلاوت مذاق	ز زهر عدو در جهان تلخ کام
ز خلد برین مشهدش روضه‌ای	خراسان از او گشته دارالسلام
از آن خوانمش جنت هشتمین	که شد منزل پاک هشتم امام
محبان ز انگور پر زهر او	فکندند می‌های خونین به جام
مرا چهره بنمود یک شب به خواب	شد از شوق او خواب بر من حرام
علی وار بر شیر مردی سوار	امین در رکابش کمینه غلام

(خنجی اصفهانی شافعی: ۱۳۷۵هـ.ش، ص ۲۲۳-۲۴۳)

۲۱. غیاث الدین بن همام الدین معروف به خواند امیر حنفی^۱ (۹۴۲ ه.ق.):

۱. سید غیاث الدین بن همام الدین معروف به خواند امیر، متولد حدوداً ۸۸۰ ه.ق در هرات و متوفای حدوداً ۹۴۲ ه.ق در هندوستان. وی نوه دختری میرخوند شافعی صاحب کتاب تاریخ روضة الصفا است و از نقبا و سادات هرات در قرن نهم و دهم هجری قمری بوده است. حنفی مذهب و از مورخین و ادبای دوران خویش بوده است. آثار بجای مانده از خواند امیر عبارتند از: «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، «خلاصة الاخبار و اخبار الاخبار»، «منتخب تاریخ و صاف»، «مکارم الاخلاق»، «مآثر الملوك»، «دستور الوزراء»، «جلد ۷ تاریخ روضة الصفا» (عباس زریاب، ۱۳۷۳هـ.ش، ص ۱۵؛ حاجی خلیفه حنفی، ۱۴۰۲ه.ق،

وی در مورد فرزندان امام کاظم می گوید: «افضل اولاد امام موسی، بلکه اشرف جمیع برایا، علی بن موسی الرضا بود.» (خواند امیر حنفی: ۱۳۵۳ هـ.ش، ج ۲، ص ۸۱)
در ادامه تحت عنوان «ذکر امام هشتم علی بن موسی الرضا، سلام الله علیهما» درباره امام فصلی گشوده و از امام چنین تعبیر می کند: «امام واجب الاحترام علی بن موسی الرضا... امام عالی مقدار» هم چنین در مورد مشهد الرضا می گوید: «و حالا آن مزار بزرگوار و روضه فیاض الأنوار، مطاف طواف اعیان و اشراف روزگار است و قبله آمال و کعبه اقبال أصاغر و أعظم اقطار بلاد و أمصار

سلام علی آل طاهها و یس سلام علی آل خیر النبیین

سلام علی روضة حلّ فیها امامّ یباهی به المُلک و الدّین

و صَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمِ الْأُمَّةَ الْمُعْصَمِينَ الْهَادِينَ؛

سلام بر آل طاهها و یس، سلام بر خاندان بهترین پیامبران سلام بر باغ و بوستانی که در آن امامی آرمیده است که دنیا و دین بدو افتخار می کنند. درود خدا بر بهترین آفریده اش، محمد سید رسولان و آل پاکش به خصوص امامان معصوم و هدایت گر». (خواند امیر حنفی: ۱۳۵۳ هـ.ش، ج ۲، ص ۸۱ و ۸۳)

در ادامه تحت عنوان «گفتار در بیان فضایل و کمالات آن امام عالی مقام، علی نبینا و علیه الصلوة و السلام» در مورد امام می گوید: «بیت شهید خاک خراسان امام طیب و طاهر، علی بن موسی بن جعفر بن محمد باقر... آقارب و اجانب از مشرق تا مغرب بر وفور علویشان و سمو مکان آن امام وافر احسان، اعتراف داشته اند و دارند و اقاضی و ادانی، بلکه جمیع افراد انواع انسانی مناقب و مفاخر آن حمیده مآثر بر صحایف ضمائر نگاشته اند و می نگارند کرامتش از هر چه تصور توان کرد بیشتر بود و امامتش به موجب نصّ آبای بزرگوارش معین و مقرر است.

از آن زمان که فلک شد به نور مِهْر مُنَوَّر
سپهر عز و جلالت محیط علم و فضیلت
ندیده دیده کس چون علی موسی جعفر
امام مشرق و مغرب ملاذ آل پیمبر
غبار مقدم او توتیای دیده اختر
حریم تربت او سجده گاه خسرو انجم

و فور علم و علو مکان اوست به حدی قلم اگر همگی وصف ذات او بنویسد که شرح آن نتواند نمود کلک سخنور حدیث او نشود در هزار سال مکرر آن‌گاه به نقل فضایل و کرامات آن حضرت پرداخته و بعد از نقل آن‌ها در پایان چنین می‌گوید:

«پوشیده نماند که کرامات و خوارق عادات امام رضا بسیار است و برکات مشهد منور و فیوضات مرقم معطر آن جناب و تفصیل آن امور مقدور خامه شکسته زبان نبوده لاجرم در طرق اختصار سلوک نمود.»

(خواند امیر حنفی: ۱۳۵۳ ه.ش، ج ۲، ص ۸۳-۹۱)

قرن یازدهم

۲۲. ابن عماد دمشقی حنبلی^۱ (۱۰۸۹ ه.ق.):

«او [امام رضا] بارگاهی بزرگ در طوس دارد که زیارتگاه است.» (ابن عماد حنبلی: ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۳، ص ۱۴)

قرن چهاردهم

۲۳. قاضی بهجت افندی شافعی^۲ (۱۳۵۰ ه.ق.):

وی نیز مشهد الرضا را زیارتگاه بزرگ جهان اسلام دانسته و می‌گوید: «روضه معلای

۱. ابوفلاح عبدالحی بن احمد بن محمد بن عماد عکری صالحی، معروف به ابن عماد، متولد ۱۰۳۲ ه.ق در صالحیه دمشق و متوفای ۱۰۸۹ ه.ق در مکه. وی مورخ، ادیب و فقیه حنبلی مذهب است که بیشتر جنبه مورخ بودن وی مورد توجه است. از آثار وی می‌توان به کتاب معروفش در تاریخ و تراجم با نام «شذرات الذهب فی اخبار من ذهب» اشاره کرد همچنین کتاب «شرح متن المنتهی» اثر فقهی ابن عماد در فروع فقهی حنابله. (زرکلی، ۱۹۹۰م، ج ۳ ص ۲۹۰؛ عمر رضا کحاله، بی تا، ج ۵ ص ۱۰۷)

۲. قاضی محمد، مشهور به بهلول بهجت افندی، متولد ۱۲۸۸ ه.ق در زنگی زور قره باغ ارمنستان و متوفای ۱۳۵۰ ه.ق در استانبول ترکیه. وی از دودمان صحابی بزرگ پیامبر اکرم، ابو ایوب انصاری است. بلحاظ علمی فقیه، محدث، مفسر، مورخ و متکلم شافعی مذهب بود و به تعبیر حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، سرآمد علوم عقلی و نقلی دوران خویش بوده است. وی در ابتدا حنفی مذهب بوده ولی در اواخر عمر خود، به مذهب شافعی روی آورد و دارای گرایش‌های سلوکی نقشبندیه نیز بوده است. بعضی از آثار وی عبارتند از: «تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد»، «رساله ای در وقایع صفین»، «حجر بن عدی»، «رساله ای در رد وهابیت»، «شرح عقاید نسفی»، «حاشیه بر تفسیر بیضاوی». (قاضی بهجت افندی، ۱۳۷۶ ه.ش ص ۱۷ و ۱۸ مقدمه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی)

آن حضرت در بلده طیبه مشهد مقدّس و زیارتگاه بزرگ عالم اسلام و دارای قبه مطلائی است که مثل و نظیرش در عالم یافت نمی‌شود، زاد الله شرفاً» (قاضی بهجت آفندی شافعی: ۱۳۷۶هـ.ش، ص ۱۵۸-۱۵۹)

گفتنی است امروزه نیز اهل سنت ایران به ویژه احناف در منطقه استان گلستان اعتقاد ویژه‌ای نسبت به مشهد و امام رضا دارند به گونه‌ای عقد ازدواج خود را در حرم امام رضا برگزار می‌کنند و قبل از سفر به حج بیت الله الحرام و پس از بازگشت، به پا بوسی آن حضرت می‌روند که این مساله نشانگر اوج اعتقاد آنان به نگین درخشان طوس است.

نتیجه گیری

در بازخوانی این پژوهش به این نتایج دست می‌یابیم که: اولاً، تأکید بر زیارت قبر امام رضا در کلمات پیامبر اعظم و سایر اهل بیت نشان آن است که زیارت قبر امام رضا نه تنها سنّت است، بلکه سنّت مؤکد و مورد عنایت آنان است. ثانیاً، عنایت ویژه به این سنّت مهم، سیل خروشان علما و مردم را، از هر فرقه‌ای از اهل سنّت برای زیارت قبر آن حضرت و توسل به ایشان و گریه و زاری و طلب حوائج و رفع مشکلات از همان قرن سوم تا حال حاضر را به راه انداخته است و آن را به یک اعتقادی ثابت در میان اهل سنت تبدیل کرده است. این مساله نشانگر این نکته است که زیارت و توسل نه تنها از اختصاصات شیعه نبوده بلکه علمای اهل سنت در طول تاریخ و قبل از ظهور وهابیت نیز به این امور اهتمام داشته‌اند و جزء عقاید جدا ناپذیر آنان است که می‌توان از این اعتقاد به عنوان تقویت بیش از پیش وحدت شیعه و سنی بهره جست.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی یعلیٰ حنبلی، ابو حسین محمد بن محمد بن حسین (۵۲۶ ه.ق.): *الطبقات الحنابلة*، چ ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۴۱۷ ه.ق.
۳. ابن بطوطه مراکش، محمد بن بطوطه (۷۷۹ ه.ق.): *تحفة النظائر فی غرائب الأماص* معروف به *رحلة ابن بطوطه*، دارالکتب العلمیة، بیروت بی تا.
۴. ابن تغری بردی حنفی، جمال الدین ابو محاسن یوسف (۸۷۴ ه.ق.): *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، چ ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۴۱۳ ه.ق.
۵. ابن تیمیہ حرانی سلفی، احمد بن عبدالحلیم (۷۲۸ ه.ق.): *زيارة القبور والإستنجاد بالمقبور*، چ ۵، ناشر: رئاسة العامة للبحوث العلمیة والافتاء، ریاض، ۱۴۲۶ ه.ق.
۶. ابن تیمیہ حرانی سلفی، احمد بن عبدالحلیم (۷۲۸ ه.ق.): *مجموع الفتاوی*، چ ۲، دارالوفا، ۱۴۲۱ ه.ق.
۷. ابن حبان بُسْتی شافعی، ابو حاتم محمد بن حبان بن احمد (۳۵۴ ه.ق.): *کتاب الثقات*، چ ۱، دارالفکر، بیروت ۱۳۹۳ ه.ق.
۸. ابن حجر عسقلانی شافعی، احمد بن علی (۸۵۲ ه.ق.): *الدرر الكامنة فی اعیان المائة الثامنة*، دار احياء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۹. ابن حجر عسقلانی شافعی، احمد بن علی (۸۵۲ ه.ق.): *تهذیب التهذیب*، چ ۱، دارالفکر، بیروت ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۰. ابن رجب حنبلی، زین الدین ابو الفرج عبدالرحمن بن شهاب الدین احمد بن رجب (۷۹۵ ه.ق.): *الذیل علی طبقات الحنابلة*، چ ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۴۱۷ ه.ق.
۱۱. ابن عماد حنبلی، شهاب الدین (۱۰۸۹ ه.ق.): *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، چ ۱، دار ابن کثیر، دمشق، ۱۴۰۶ ه.ق.
۱۲. ابن قاضی شُهْبَة شافعی، ابوبکر بن احمد (۸۵۱ ه.ق.): *طبقات الشافعية*، دارالندوة الجديدة، بیروت ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۳. ابن کثیر دمشقی سلفی، اسماعیل بن عمر (۷۷۶ ه.ق.): *طبقات الشافعية*، چ ۱، دارالمدار الاسلامی، بیروت بی تا.
۱۴. ابن هداية الله حسینی شافعی، ابوبکر (۱۰۱۴ ه.ق.): *طبقات الشافعية*، چ ۲، دارالآفاق الجديدة، بیروت ۱۹۷۹ م.
۱۵. احمد بن عبدالرزاق درویش: *فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء*، چ ۱، نشر رئاسة ادارة البحوث العلمیة والافتاء، ریاض، ۱۴۲۳ ه.ق.

۱۶. اسنوی شافعی، جمال‌الدین عبدالرحیم (۷۷۲ ه.ق.): *طبقات الشافعية*، ج ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۷. آفندی شافعی، قاضی بهجت (۱۳۵۰ ه.ق.): *تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد علیهم السلام*، مترجم: میرزا مهدی ادیب، با مقدمه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چ دوم، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، ۱۳۷۶ ه. ش، تهران.
۱۸. بشاری مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن البناء (۳۸۰ ه.ق.): *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۹. بهادر خان حنفی، امیر احمد حسین (قرن ۱۳ ه.ق.): *تاریخ الاحمدی*، ج ۱، مؤسسه البلاغ، بیروت، ۱۴۰۸ ه.ق.
۲۰. جوینی شافعی، شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد (۷۲۲ ه.ق.): *فرائد السمطین فی فضائل المرتضی والبتول و السبطین و الأئمة من ذریئهم علیهم السلام*، ج ۱، مؤسسه المحمودی، بیروت ۱۴۰۰ ه.ق.
۲۱. خنجی اصفهانی شافعی، فضل الله بن روزبهان (۹۲۷ ه.ق.): *وسيلة الخادم إلى المخدم در شرح صلوات چهارده معصوم علیهم السلام*، ج ۱، انتشارات انصاریان، قم ۱۳۷۵ ه.ش.
۲۲. خنجی اصفهانی شافعی، فضل الله بن روزبهان (۹۲۷ ه.ق.): *مهمان نامه بخاراه*، ج ۲، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران بی تا.
۲۳. خواند امیر حسینی حنفی، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۹۴۲ ه.ق.): *تاریخ حبیب السیر فی أخبار افراد بشر*، ج ۲، انتشارات کتاب فروشی خیام، تهران ۱۳۵۳ ه.ش.
۲۴. ذهبی سلفی، شمس‌الدین (۷۴۸ ه.ق.): *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۱، مؤسسه الرسالة، بیروت ۱۴۱۷ ه.ق.
۲۵. ذهبی سلفی، شمس‌الدین (۷۴۸ ه.ق.): *العبر فی خبر من غیر*، دارالکتب العلمیة، بیروت بی تا.
۲۶. زرکلی، خیر‌الدین (۱۳۹۶ ه.ق.): *الاعلام*، ج ۱۷، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۰ م.
۲۷. سبکی شافعی، تاج‌الدین ابونصر عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی (۷۷۱ ه.ق.): *طبقات الشافعية الكبرى*، داراحیاء الکتب العربیة، بیروت بی تا.
۲۸. سخاوی شافعی، شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن (۹۰۲ ه.ق.): *الضوء اللامع لاهل القرن التاسع*، دارالجیل، بیروت، بی تا.
۲۹. سَمْعانی شافعی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور (۵۶۲ ه.ق.): *الأنساب*، ج ۱، دارالکتب العلمیة. بیروت ۱۴۰۸ ه.ق.
۳۰. شیرازی شافعی، عطاء الله بن فضل الله (۸۰۳ ه.ق.): *روضة الأحاب فی سیرة النبی والآل والاصحاب*، نسخه خطی، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی ایران.

۳۱. صفدی شافعی، خلیل بن ایبک: الوافی بالوفیات، ج ۱، النشرات الاسلامیة، آلمان ۱۳۸۱ ه.ق.
۳۲. طبسی، نجم الدین: وهابیت عامل تفرقه مسلمانان، ترجمه و تعلیق: دکتر حسین حبیبی تبار و دکتر عبدالجبار زرگوش نسب، ج ۳، برگ فردوس، قم ۱۳۹۱ ه.ش.
۳۳. عادل کاظم عبدالله: موقف علماء اهل السنة من ابن تیمیة، ج ۱، دار وادی السلام، دمشق، ۱۴۲۸ ه.ق.
۳۴. عبدالقادر تمیمی مصری حنفی، تقی الدین بن عبدالقادر (۱۰۰۵ ه.ق.): الطبقات السنّیة فی تراجم الحنفیة، ج ۱، دار الرفاعی، ریاض ۱۴۰۳ ه.ق.
۳۵. عبدالقادر قرشی حنفی، ابو محمد محی الدین عبدالقادر بن محمد بن محمد بن نصرالله بن سالم بن ابی الوفاء (۷۵۷ ه.ق.): الجواهر المّضیة فی طبقات الحنفیة، ج ۲، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۱۳ ه.ق.
۳۶. قُندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۲۹۴ ه.ق.): ینایع المودّة لدوی القریب علیهم السلام، ج ۲، دار الاسوة، قم ۱۴۲۲ ه.ق.
۳۷. کحاله، عمر رضا: معجم المؤلفین، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا
۳۸. محمد بن عبدالوهاب نجدی حنبلی (۱۲۰۶ ه.ق.): رسالته كشف الشبهات، ج ۱، وزارت اوقاف سعودی، ریاض، ۱۴۱۸ ه.ق
۳۹. مروجی طبسی، محمد محسن: امام رضا به روایت اهل سنت، ج ۱، دلیل ما، قم، ۱۳۸۸ ه.ش
۴۰. مُهلّبی، حسن بن احمد، (۳۸۰ ه.ق.): کتاب العزیزی یا المسالک والممالک، تصحیح و تعلیق تیسیر خلف، ج اول، نشر التکوین، دمشق، ۲۰۰۶ م.
۴۱. میرخواند حنفی، میرمحمد بن سیدبرهان الدین خواند شاه (۹۰۳ ه.ق.): تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبیاء والملوک والخلفاء، انتشارات کتاب فروشی مرکزی، تهران ۱۳۳۹ ه.ش.